

## فراخوان

درود های گرم و فراوان به تک تک همدلان و همزبانان فرهیخته ی که هیچگاه آماده نیستند زیر بار و درفش تبارگرایی و **فاشیزم** دودمانی بروند! گزار (تاریخ) گواه است، که گرایش های تندروانه و برترانگاری کشنده ترین جنگ افزار ساخته و پرداخته شده ی جهانگشایان، برای سرکوب کردن جنبش های آزادیبخش و مردمی است و هیچ جنگ افزاری کشنده تر از تبارگرایی نیست.

سرمایداری و جنگ افزار سازانش، تا اکنون نتوانسته اند جنگ افزار کارآمد تر و بهتری از همین پدیده ی تبارگرایی بسازند. برای یک تبارگرا و دودمان پرست هیچ پدیده ی دیگری بالا تر از تبارش نیست. یک تبارگرا آماده است، که خود، زن، فرزند و دینش را سربهای تبارش کند.

در یکم ماه مه سال ۱۹۴۵، هنگامی که ارتش سرخ، **برلین** را گرفت، **گوبلس** (Göbbels) وزیر آوازه گری (تبلیغات) **هیتلر**، نخست شش کودک و زنش را کشت، سپس خودش را!

باری، اگر به گزار سرزمین های که در آن، روزی **فاشیزم** به فرمانروایی رسیده است، نگاهی بیاندازیم، می بینیم که در زمان تپ و تلاش و کُنشگری (فعالیت) های خستگی ناپذیر **فاشیزم**، بخش بزرگی از روشن اندیشان آن همبود (جامعه)، ناآگاهانه در خود فرورفته بودند، به کار دیگران کاری نداشتند و سرگرم کار و بار خویش بودند! ولی هنگامی که از خواب ناآگاهی بیدار شدند و برآیند آن را دیدند، کار از کار گذشته بود؛ مردمان بسیاری آگاهانه یا ناآگاهانه زیر درفش **فاشیزم** رفته بودند و نیروی سرکوبگر و رزمندگان ترس آور **فاشیزم**، جو های خون به راه انداخته و از کله، برج درست کرده بودند؛ بهترین نمونه اش **هیتلر** است.

امروز **فاشیزم** در سرتاسر افغانستان آزادانه و آگاهانه کار می کند، ولی آب از آب نمی جنبد! **نیروی پیاده** اش را گروه گروه با پشتیبانی کشورداران، به سر تا سر افغانستان جایگزین می کند، ستمدیده ترین مردمان مان را دسته دسته می رباید و سر می برد، سدا و سیما دارد و آزادانه به دودمان های دیگر ناسزا می گوید، دهشت افکنی می

کند، به کام مرگ می کشد و آواره می سازد، ولی شوربختانه نه کسی از خود کنش و کردار کارساز و روشنگرانه نشان می دهد و نه هم کسی پیش روی این آسیبه (ویروس) را می گیرد!

روشن اندیشان مان باید از خواب ناآگاهی بیدار شوند و اگر بیدار اند، به گفته هراتیان **به مه چه** نگویند، زیرا نخستین گوشت دم توپ **فاشیزم**، همین روشن اندیشان اند. دهشت افکنی **خلقی- پرچمی** ها را همه به یاد داریم و داغ به خون خفتگان مان در دل ها کنده کاری (حک) شده است!

یک کشیش **آلمانی** به نام **مارتین نیمولر** (Martin Niemöller)، که با **فاشیزم** سر ناسازگاری داشت، چنین نوشت:

هنگامی نازی ها «کمونیست» ها را بردند،  
خاموش نشستم،  
من «کمونیست» نبودم.

هنگامی «سوسیال دیموکرات» ها را بردند،  
خاموش نشستم،  
من «سوسیال دیموکرات» نبودم.

هنگامی نمایندگان بنیاد های کارگری را بردند،  
خاموش نشستم،  
من از آن بنیاد ها نبودم.

هنگامی یهودان را بردند،  
خاموش نشستم،  
من یهود نبودم.

هنگامی ایشان به سُرَاغ من آمدند،  
کسی نمانده بود که سرپیچی کند!

روشن اندیشان و فرهیختگان **تاجیک**، **پشتون**، **هزاره**، **بلوچ**، **تورکمن**، **اوزبک** و ... بیایید، تا با هم، یک سدا و یک پارچه با روشن اندیشان درون افغانستان همزمان همایش ها، گردهمایی ها و راه پیمایی ها سازمان دهیم، آشتی آمیز به خیابان ها ریزیم؛ در برابر نمایندگی های کشور های که **فاشیزم** را در افغانستان پشتیبانی و کومک می کنند، واخواهی (اعتراض) کنیم و بخروشیم و تا نابودی این آسیبه از پا ننشینیم.

تبارگرایی و دودمان زدایی از هر جور و هرگونه اش که باشد، بنیاد **فاشیستی** دارد؛ همتباران را در زیر

یک درفش آوردن، برآیند اش، بازگش (تکرار)  
**هیتلر سالاری است!**

**روشن اندیشان فرهیخته!**

ربودن ۳۱ تن نه آغاز این ستم است و نه هم انجام  
آن. اگر خاموش بنشینید، **فاشیزم** به سراغ تک تک تان  
خواهد آمد. پیش از آن که **فاشیزم** از این پیشتر  
برود، بیایید که جستار های تباری را کنار  
بگذاریم، با هم و یک سدا به **فاشیزم** «نه!» بگوییم!  
سیاسگزارم!

انجمن بیرنگ